

رویکرد نوین نسبت به اموال مجرمین در بزهکاری سازمان یافته یا

اقتصادی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)

بهنام یوسفیان شوره‌دلی*

چکیده

در مقاله حاضر که عمدتاً از رساله نگارنده برای اخذ درجه دکترا از دانشگاه شهید بهشتی در حقوق کیفری و جرم‌شناسی تحت عنوان «حمایت کیفری/از حاکمیت قانون در قلمرو اقتصادی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و حقوق فرانسه)» اقتباس شده است، یکی از جالب‌ترین جنبه‌های سیاست کیفری بر ضد بزهکاری اقتصادی یا سازمان یافته در جهان معاصر مورد بحث قرار می‌گیرد. ابتدا به اثبات می‌رسد که از دیدگاه جرم‌شناختی یکی از ضروری‌ترین پیش شرط‌ها برای افزایش بازدارندگی سیاست کیفری در قبال اشکال سود-آور بزهکاری که ذیل عناوین «بزهکاری سازمان یافته»، «جرائم یقه سفید» و «بزهکاری اقتصادی» از آنها سخن می‌رود، همانا سرکوب انگیزه‌های مالی مجرمین و به خصوص جرم‌انگاری و پیشگیری از پول‌شویی، شناسایی، ضبط و مصادره اموال و عواید مجرمانه آنها است؛ سپس با مطالعه حقوق دو کشور ایران و فرانسه در پرتو معیارها و تعهدات بین‌المللی دو کشور، توضیح می‌دهیم که حقوق ایران در هر یک از زمینه‌های سه‌گانه تحت بررسی (اعم از جرم‌انگاری پول‌شویی، مصادره عواید مجرمانه و سایر اموال بزهکاران و بالاخره، شناسایی و توقیف اموال مجرمین) به رغم تصویب قانون مبارزه با

* دانش آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی.

پول‌شویی در بهمن‌ماه ۱۳۸۶، هنوز دارای اشکالات مهمی است که در راستای نتیجه‌بخشی بیشتر سیاست کیفری کشور بر ضد این اشکال غیر متعارف و فوق‌العاده خطرناک بزهکاری، الزاماً باید مرتفع شود.

کلید واژگان

جرم سازمان‌یافته، جرم اقتصادی، فساد مالی، اداری، عواید مجرمانه، تطهیر، پول‌شویی، مصادره.

مقدمه

۱. جرم سازمان‌یافته. مقصود از «جرم سازمان‌یافته» جرمی است که توسط یک گروه مجرمانه سازمان‌یافته ارتکاب یابد و نه به صورت انفرادی یا در قالب یک گروه اتفاقی و سازمان‌نیافته. به نظر عموم جرم شناسان، شاخص‌های معرف گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته به شرح زیر است (سلیمی، صادق، الف-۱۳۸۲: صص ۲۱۲-۱۶۹ و ب-۱۳۸۲: ص-ص ۱۰۲-۶۹): گروه سازمان‌یافته مجرمانه دارای ساختار معین یعنی نوعی نظم و سلسله مراتب میان اعضای گروه است؛ فعالیت آن دست‌کم تا مدتی استمرار دارد؛ با انگیزه جلب منافع مالی مرتکب جرائم مهم می‌گردد؛ متوسل به خشونت می‌شود؛ مقامات مسئول را از طریق فساد با خود همراه می‌سازد؛ درآمدهای مجرمانه را تطهیر می‌کند و مجدداً در بخش قانونی اقتصاد به کار می‌اندازد. بر همین اساس، در تمامی فعالیت‌های بزهکاری سازمان‌یافته از قاچاق مواد مخدر، تسلیحات، گونه‌های نادر و یا در معرض خطر گیاهی و جانوری و سایر انواع تجارت غیر قانونی و قاچاق کالا گرفته تا قاچاق انسان، قاچاق مهاجرین و استثمار جنسی و فحشای سازمان‌یافته؛ از کلاهبرداری گرفته تا جعل مدارک هویت و تولید محصولات تقلبی، همیشه خصیصه مشترکی قابل مشاهده است: ارتباط تنگاتنگ فعالیت مجرمانه با جریان ناسالم پول و منافع مالی. بزهکاران به خاطر منافع مالی دست به ارتکاب جرم می‌زنند، با هزینه کردن پول و اموال دیگر، همکاری سایرین از جمله مقامات عمومی، مأمورین اجرای قانون و فعالان بخش قانونی اقتصاد را جلب می‌نمایند و برای برخوردار شدن از عواید مجرمانه خود باید آنها را پنهان کرده یا به صورت درآمدهای قانونی جلوه دهند. به‌طور خلاصه، پول و اموال مجرمانه، در عین حال انگیزه ارتکاب جرم، وسیله دفاعی و به شکل تناقض‌آمیزی، نقطه ضعف اصلی فعالیت گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته به شمار می‌رود. (Buscaglia & Dijk, 2003: 5)

۲. جرم یقه‌سفید. در مقابل مفهوم جرم سازمان‌یافته که عمدتاً ناظر به بخش غیر قانونی اقتصاد است، مفهوم جرم یقه‌سفید ناظر به فعالیت‌ها و اقدامات مجرمانه‌ای است که توسط دست‌اندرکاران بخش قانونی اقتصاد با توسل به حيله، سوء استفاده از اعتماد و عملیات متقلبانه صورت می‌گیرد؛ مجرم یقه‌سفید معمولاً از فرصت‌های ناشی از حرفه یا موقعیت شغلی خود یا از آگاهی‌های مخصوصی که در امور بازرگانی و اداری دارد سوء استفاده می‌کند. (Strader, 2002: 2) به رغم تفاوتی که میان بزهکاری سازمان‌یافته از یک سو و مجرمیت یقه‌سفید از سوی دیگر وجود دارد، خصیصه مهم مشترک میان این دو همان است که فوقاً به عنوان ویژگی بارز تمام انواع جرائم سازمان‌یافته ذکر شد: در جرائم یقه‌سفید مانند تقلبات مالیاتی، رقابت غیر منصفانه و نقض مقررات ضد انحصار، عدم رعایت موازین زیست‌محیطی و ضوابط بهداشت و ایمنی محیط کار، تقلبات تجاری به خصوص دست‌کاری در حساب‌ها و اسناد مالی شرکت‌های بازرگانی، تقلبات مالیاتی و تقلب در کمیت یا کیفیت محصولات صنعتی نیز تقریباً همیشه انگیزه مالی وجود دارد، پول و اموال حاصل از جرم باید پنهان یا تظہیر شوند و این امکان وجود دارد که مجرم یقه‌سفید نیز قسمتی از اموال خود را برای خریداری سکوت یا جلب همکاری دیگران از جمله مقامات عمومی و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به کار گیرد. در اینجا هم می‌توان به‌طور خلاصه تکرار کرد که عواید و اموال مجرمانه برای بزهکار یقه‌سفید، اغلب در عین حال هم نیروی محرکه است، هم وسیله دفاعی و هم نقطه ضعف اصلی.

۳. جرم اقتصادی. مفهوم جرم اقتصادی عمدتاً با مفهوم جرم یقه‌سفید مترادف است و در یک تعریف ساده و کلی، بر هر جرم غیر خشونت‌آمیزی اطلاق می‌گردد که منتهی به نوعی ضرر مالی گردد، حتی اگر این ضرر نامحسوس بوده یا از نظر مردم عادی ضرر مالی به حساب نیاید. با چنین تعریفی، طیف وسیعی از اعمال مجرمانه که ممکن است جنبه

سازمان یافته نیز داشته باشند، تحت عنوان جرم اقتصادی یا مالی مطرح می‌گردند (United Nations Secretariat, 2005: para. 2).

در تمامی انواع مزبور، ملاحظات فوق طبعاً قابل طرح هستند و به همین جهت، شاید بتوان مجموعه جرائم سودآور را تحت عنوان «مکاسب یا تجارت‌های مجرمانه» مورد بحث قرار داد.

۴. بازدارندگی مجازات و خنثی کردن انگیزه‌های بزهکاری. این اندیشه که رسالت حقوق کیفری و هدف اصلی مجازات، باید جلوگیری از وقوع و تکرار جرم در آینده از رهگذر ارباب و منصرف ساختن مجرمین بالقوه باشد، از دیرباز وجود داشته ولی طرفداران مکتب کلاسیک حقوق جزا (کسانی مثل بکاریا و بنتام) از اواخر قرن هجدهم، اندیشه ساده مذکور را به صورت یک نظریه مدون و جامع حقوقی-فلسفی درآوردند. اینان معتقد بودند که اگر بتوانیم با افزایش شدت و قطعیت اجرای مجازات‌ها، جذابیت ناشی از نفع و فایده حاصل از جرم را در نظر مجرم بالقوه در مقایسه با خطر محسوس و بزرگ اجرای کیفر کم‌رنگ جلوه داده و به این ترتیب رغبت به ارتکاب جرم را از میان ببریم، در حقیقت به هدف و غایت اصلی حقوق جزا هم دست یافته‌ایم. در اواخر قرن نوزدهم، با گسترش مکاتب تحقیقی یا اثباتی و تردید در پیش‌فرض آزادی اراده، ضرورت خنثی کردن حالت خطرناک که نتیجه عوامل زیستی و اجتماعی تلقی می‌شد به مراتب بیشتر از تأثیرگذاری بر تصمیم بزهکاران بالقوه مورد توجه قرار گرفت. با این همه در دهه‌های اخیر، با پیدایش مکاتب اقتصادی جرم‌شناسی، متخصصین علوم جنایی بار دیگر (منتها با ادبیات علم اقتصاد) از محاسبه خطر و فایده یا مزیت ارتکاب جرم به عنوان عامل مهمی که باید در هر نوع سیاست پیشگیری و سرکوب بزهکاری مدنظر باشد، سخن می‌گویند. این مکاتب بر اساس دو اصل پیشگیری وضعی یا پیشگیری اولیه (از بین بردن فرصت‌های

مجرمانه و تقویت آماج‌های بزهکاری) از یک سو و بازدارندگی کیفر (تشدید خطر ناشی از تعقیب کیفری برای مجرمین بالقوه) از سوی دیگر استوار هستند.

امروزه بنا به دلایل ذیل این فرضیه رواج دارد که برای جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده از طریق سیاست‌های کیفری بازدارنده، در جرائم اقتصادی یا سازمان‌یافته، امیدواری و احتمال موفقیت بالنسبه بیشتری در مقایسه با جرائم متعارف وجود دارد:

اولاً: جرائم سازمان‌یافته یا اقتصادی علی‌القاعده (چنانکه گذشت) به انگیزه منافع مالی ارتکاب می‌یابند، نه در اثر هیجاناتی از قبیل خشم و نفرت. در این جرائم مجرم در حالت آرامش نسبی روانی و به طمع برخورداری از منافع نامشروع تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد و در موقع تصمیم‌گیری معمولاً تحت تأثیر هیجانات یا تأثرات شدید روحی و یا الکل یا مواد روان‌گردان که در جرائم خشونت‌آمیز موجب سلب تعقل می‌شوند قرار ندارد.

ثانیاً: در جرائم مورد بحث، اغلب بزهکاران دارای احترام، حیثیت و حتی موقعیت اجتماعی ممتاز هستند، لذا در صورت تعقیب جرم و محکومیت کیفری چیز زیادی برای از دست دادن خواهند داشت، برخلاف جرائم خیابانی و جرائم طبقات حاشیه‌ای جامعه که ممکن است بزهکار دورنمای مجازات را بر اثر احساس یأس و سرخوردگی و نداشتن یک زندگی قابل قبول چندان درخور اعتنا نیند.

ثالثاً: در جرائم سازمان‌یافته و نیز جرائم یقه‌سفید، سطح معلومات و آگاهی مجرم به مراتب بیشتر از بزهکاران متعارف است و لذا احتمال بیشتری دارد که نسبت به مجازات بالقوه جرم مورد نظر و به طور کلی نسبت به خطر تعقیب کیفری، آگاهی و التفات داشته و آن را در محاسبات خود منظور نماید به‌ویژه آنکه چنین جرائمی ماهیتاً به گونه‌ای هستند که با تمهید مقدمات کمابیش پیچیده و برنامه‌ریزی قبلی (نه با یک تصمیم ناگهانی و اتفاقی) ارتکاب می‌یابند.

در پرتو ملاحظات از قبیل نکاتی که فوقاً ذکر شد، قانون‌گذاران و دستگاه‌های پلیسی و قضایی بعضی کشورها مانند ایالات متحده با تدوین یک سیاست کیفری قاطع و سخت-گیرانه مخصوصاً در واکنش به بعضی فجایع و رسوایی‌های بزرگ مالی در سال‌های اخیر سعی دارند میزان بالایی از بازدارندگی را نسبت به جرائم مزبور به وجود آورند. (Nicholson, 2007: 321-3)

۵. انعکاس سیاست کیفری مشترک در اسناد و معیارهای بین‌المللی. در سطح بین‌المللی نیز کنوانسیون‌ها و سایر اسناد بین‌المللی اعم از ارشادی و الزام‌آور، اتخاذ رویکرد کمابیش مشابهی را برای مقابله با جرائم اقتصادی، فساد، قاچاق مواد مخدر، تطهیر عواید مجرمانه و سایر جرائم سازمان‌یافته مد نظر دارند و به دیگر سخن، دو اصل پیشگیری وضعی و بازدارندگی کیفر در سرلوحه اهداف آنها جای دارد. در همین راستا، دولت ایران اخیراً به عضویت کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد، یکی از مهم‌ترین اسناد الزام‌آور بین‌المللی بر ضد جرائم اقتصادی، درآمده (روزنامه رسمی، شماره ۱۳۸۷/۸/۲۹-۱۸۵۶۳ و ۱۳۸۷/۹/۲-۱۸۵۶۵) و به همین لحاظ، مکلف به اجرای مقررات آن از طریق اتخاذ تدابیر ضروری از جمله وضع یا اصلاح قوانین داخلی خود در انطباق با تعهدات مندرج در کنوانسیون مزبور می‌باشد. همچنین دولت ایران پیشتر به عنوان یکی از اعضای کنوانسیون ۱۹۸۸ ملل متحد بر ضد قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان، مجموعه‌ای از تعهدات مشخص را برای

۱. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۹ دسامبر ۲۰۰۳ کنوانسیون مذکور را امضاء نموده و پس از آن، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ به تصویب کنوانسیون مبادرت ورزید. سپس این مصوبه با اعلام مخالفت شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده، سرانجام مجمع مذکور در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد را در قالب ماده واحده و یک تبصره به تصویب رساند.

مبارزه با قاچاق این مواد زیان‌بار (که از اقسام اصلی جرائم سازمان‌یافته به شمار می‌رود) بر عهده گرفته بود.^۲ دولت فرانسه نیز از اعضای هر دو کنوانسیون فوق و نیز کنوانسیون ملل متحد بر ضد جرم سازمان‌یافته فراملی به شمار می‌آید (UNODC website).^۳

۶. ضبط و بازستانی عواید مجرمانه، پیش‌شرط اصلی تحقق بازدارندگی. از آنجا که انگیزه اصلی بزه‌کاران اقتصادی و یا گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته، جلب منفعت مالی یا به طور کلی ملاحظات اقتصادی می‌باشد، طبیعتاً یکی از اثربخش‌ترین و سودمندترین تدابیری که به‌ویژه در قالب اسناد بین‌المللی و پژوهش‌های جرم‌شناختی برای مقابله با جرائم مزبور توصیه می‌شود، افزایش بازدارندگی سیاست کیفری از طریق مبارزه با اخفاء و تظهير عواید مجرمانه، شناسایی، ضبط و مصادره اموال مجرمین و به طور کلی تلاش برای از بین بردن جاذبه مالی فعالیت مجرمانه است. (Nicholson [generally]) اگر سیاست کیفری نتواند در این زمینه به توفیق برسد، نظریه بازدارندگی مجازات قطعاً محکوم به شکست خواهد بود.

به‌طور خلاصه، در جرائم اقتصادی یا سازمان‌یافته از جمله بیشتر مصادیق فساد مالی-اداری، اگر صرفاً به تعقیب اشخاص مجرم توجه شده و عواید مجرمانه که ممکن است برای ترمیم لطمات اجتماعی و اقتصادی حاصله جنبه حیاتی داشته باشد، به وسایل مقتضی جستجو و بازیابی نگردد، همین اموال و ثروت‌های نامشروع سرچشمه ارتکاب جرائم

۲. سند تصویب این کنوانسیون از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۹۲ (آذرماه ۱۳۷۱) تقدیم دبیر کل ملل متحد گردید.

۳. اسناد عضویت فرانسه در کنوانسیون‌های مورد بحث به ترتیب ذیل تقدیم دبیر کل ملل متحد شده است: کنوانسیون مواد مخدر و روان‌گردان، ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱؛ کنوانسیون بر ضد جرم سازمان‌یافته فراملی، ۲۹ اکتبر ۲۰۰۲ و کنوانسیون بر ضد فساد، ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۵.

جدیدی در آینده خواهند بود و غالباً بزهکاران دانه‌درشت که به وسایل مرموزی، این گونه فعالیت‌های مجرمانه را تحت کنترل دارند، از اثرات سیاست کیفری مصون مانده و فقط از سودهای سرشار بزهکاری بهره‌مند می‌شوند. بدتر از همه اینکه عدم توقیف این ثروت‌های بادآورده زمینه را برای گسترش فساد در دستگاه عدالت کیفری و مآلاً فلج شدن آن در برخورد با مجرمین ثروتمند و قدرتمند هموار خواهد ساخت. (Buscaglia, 2008)

در ادامه بحث، ضمن سه گفتار در سه حوزه مشخص، (جرم‌انگاری تطهیر و اخفاء عواید مجرمانه؛ مصادره اموال و بالاخره شناسایی و توقیف عواید مجرمانه) با ارائه اصول مستنبط از اسناد و معیارهای بین‌المللی، به مطالعه موضع هر یک از دو نظام حقوقی ایران و فرانسه پرداخته، میزان انطباق آنها را با تعهدات و انتظارات بین‌المللی به پرسش می‌گیریم؛ همچنین ویژگی‌هایی را که به هر یک از دو نظام حقوقی مزبور اختصاص دارد، مقایسه می‌نماییم.

گفتار اول: جرم‌انگاری تطهیر و اخفاء عواید مجرمانه

در واقع تطهیر و اخفاء عواید مجرمانه که از آن تحت عنوان پول‌شویی نیز یاد می‌شود، همیشه با جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته ارتباط ندارد و عواید حاصل از جرائم متعارف نیز ممکن است مشروع جلوه داده یا به وسایل مختلف اخفاء شود؛ معذک ارتباط این گونه اقدامات با جرائم اقتصادی به‌ویژه فساد مالی-اداری و نیز انواع جرائم سازمان‌یافته آنچنان عمیق است و به قدری اهمیت دارد که جرم‌انگاری آنها از نظر مقررات ملی و نیز در شمار فراوانی از اسناد الزام‌آور یا ارشادی بین‌المللی و منطقه‌ای، شرط ضروری مبارزه موفق با جرائم اقتصادی یا سازمان‌یافته به شمار می‌رود (UNODC, 2006: 88-9) (سلیمی، صادق، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۱۳۵؛ شمس ناتری، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۷).

۱. عمل مجرمانه. در حقوق فرانسه، جرائم «تطهیر عواید مجرمانه» در ماده ۱-۳۲۴ و «دریافت اشیاء حاصله از جرم» در ماده ۱-۳۲۱ قانون جزای این کشور به شرح زیر تعریف شده است:

«تطهیر عواید مجرمانه عبارت از هر عملی است که مشروع جلوه دادن اموال و عوایدی را که به عنوان نفع مجرمانه به شکل مستقیم یا غیر مستقیم برای مرتکب یک جنحه یا جنایت حاصل شده، به هر وسیله تسهیل نماید.

«مساعدت و مشارکت در هر گونه عملیات سرمایه‌گذاری، مشتبّه‌سازی و تبدیل یا معاوضه اموال و منافع مستقیم و غیرمستقیم حاصله از هر جنحه یا جنایت نیز تطهیر محسوب می‌گردد ...».

«دریافت اشیاء حاصله از جرم اعم است از اخفاء، نگاهداری، انتقال یا وساطت در انتقال اشیاء با علم به اینکه شیء مورد نظر از جنحه یا جنایتی به دست آمده است. منتفع شدن از عواید جنحه یا جنایت با آگاهی از منشأ آن نیز به هر شیوه و کیفیت که باشد، دریافت اشیاء حاصله از جرم به شمار می‌آید ...».

به موجب قسمت اخیر مواد فوق، کیفر تطهیر یا دریافت اشیاء حاصله از جرم در موارد عادی یعنی فقدان کیفیات مشدده، حبس تا پنج سال و جزای نقدی تا ۳۷۵/۰۰۰ یورو خواهد بود. همچنین در ماده ۳۸-۲۲۲ قانون جزا، تطهیر عواید حاصل از ساخت، تولید، ورود و صدور و به‌طور کلی قاچاق مواد مخدر، مشمول عنوان مجرمانه خاصی قرار گرفته و با تشدید کیفر به دو برابر میزان مقرر برای سایر موارد، از تطهیر عواید سایر جرائم تفکیک شده است. در ماده اخیر و نیز در مواد ۳-۳۲۱ و ۳-۳۲۴ تصریح گردیده که جزای نقدی جرائم تطهیر و دریافت اشیاء حاصل از جرم می‌تواند با فراتر رفتن از حد نصاب جزای نقدی ثابت، تا سقف نیمی از مجموع ارزش اموال و عواید موضوع عملیات تطهیر یا دریافت مجرمانه افزایش یابد.

در حقوق کنونی ایران نیز اخفاء و تطهیر عواید مجرمانه جرم شناخته می‌شود لیکن مقنن (برعکس قانون‌گذار فرانسه) عنوان جزایی واحدی را پیش‌بینی کرده و به جای تفکیک تطهیر از تحصیل یا دریافت اشیاء حاصل از جرم، تمامی رفتارهای مجرمانه مورد نظر را مشمول تعریف قانونی خود از «پول‌شویی» قرار داده است. در ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی (ق. م. پ.) مصوب دوم بهمن‌ماه ۱۳۸۶ (روزنامه رسمی شماره ۳۵۱۸۳-۱۳۸۶/۱۲/۸)، جرم پول‌شویی به نحو بسیار موسعی تعریف شده، تعریفی که (برخلاف تعریف مستقل قانون‌گذار فرانسه) تقریباً ترجمه بی‌کم و کاستی از جزء (الف) و شق اول جزء (ب) بند (۱) ماده ۲۳ کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد مشهور به کنوانسیون مریدا و ماده ۶ کنوانسیون ملل متحد بر ضد جرم سازمان‌یافته فراملی مشهور به کنوانسیون پالرمو می‌باشد. (UNODC, 2006: 90-3) با این توضیح که:

در بند (الف) ماده ۲ ق. م. پ. که با شق اول از جزء (ب) بند (۱) مواد ۲۳ و ۶ کنوانسیون‌های مذکور فوق انطباق دارد، نه تنها تحصیل و تصاحب^۴، بلکه حتی نگهداری و استفاده از عواید مجرمانه با علم به منشأ غیر قانونی آن، جرم شناخته شده است. به این ترتیب در حقوق ما تحصیل، تصاحب و استفاده از عواید مجرمانه به هر کیفیت و با هر انگیزه‌ای که ارتکاب یابد، «پول‌شویی» به شمار آمده، پس اگر مرتکب جرم قسمتی از عواید مجرمانه را به عنوان هدیه به کسی بخشیده یا موقتاً در معرض انتفاع یا استفاده او قرار دهد، شخص قبول‌کننده هدیه یا استفاده‌کننده از عواید مجرمانه به شرط داشتن «علم از

۴. در ماده ۲ ق. م. پ. به اشتباه به جای واژه «تصاحب» از واژه «تملک» که ظهور در قانونی بودن مالکیت مرتکب دارد استفاده شده که بدون تردید صحیح نیست. به عبارت دیگر، عواید مجرمانه را که از طرق غیر قانونی حاصل آمده، یقیناً نمی‌توان بدون ناقل صحیح قانونی «تملک» کرد و از همین رو، کاربرد کلمه «تملک» در بند (الف) ماده ۲ ق. م. پ. از باب مسامحه بوده و باید به معنی «تصاحب غیر قانونی» تأویل و تفسیر گردد.

منشأ مجرمانه» مرتکب پول‌شویی تلقی خواهد شد. با اینکه اتخاذ چنین رویکردی در حقوق ما، از نظر عملی مشکل عمده‌ای تولید نمی‌کند، از لحاظ نظری تردیدی نیست که صرف تحصیل یا استفاده از عواید مجرمانه را چه از جهت لغوی و چه از دیدگاه جرم-شناختی، به زحمت می‌توان «پول‌شویی» نامید؛ به همین جهت، رویکرد متفاوت مقنن فرانسوی که جرائم مندرج در بند (الف) ماده ۲ ق.م.پ. در حقوق ایران را تحت عنوان مستقلی یعنی «دریافت اشیاء حاصل از جرم» طبقه‌بندی نموده، منطقی‌تر و معقول‌تر به نظر می‌رسد.

در بند (ب) ماده ۲ ق. م. پ. به اعمال «تبدیل، مبادله یا انتقال» اشاره شده و با تبعیت دقیق از شقّ اول جزء (الف) بند (۱) ماده ۲۳ کنوانسیون مریدا و نیز شقّ اول جزء (الف) بند (۱) ماده ۶ کنوانسیون پالرمو، برخلاف مورد پیشین در اینجا بزه‌کار باید سوء نیت خاص برای پنهان کردن منشأ غیر قانونی عواید مجرمانه یا کمک به مرتکب جرم منشأ به نحوی که وی متحمل آثار و عواقب قانونی ارتکاب جرم نگردد داشته باشد. کلمه «تبدیل» ظهور در تغییر دادن نوع مال دارد به نحوی که شناسایی آن دشوار شود مانند کسی که طلاجات زینتی را ذوب و به شمش تبدیل کند. کلمه «مبادله» ناظر به هر گونه معامله و معاوضه‌ای است که تحت هر عنوان، مال مجرمانه را با مال دیگری تعویض کند مثل کسی که کمک-های دولتی به آسیب‌دیدگان جنگ یا زلزله را که قبلاً اختلاس شده در مغازه خود به فروش رسانده و حاصل فروش را حتی بدون اینکه خود در آن شریک شود به مرتکبین می‌دهد. کلمه «انتقال» می‌تواند شامل جابجایی و حمل و نقل عواید مجرمانه حتی در فضای مجازی باشد مثل صرافی که برای انتقال عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر به خارج از کشور عالماً با مرتکب همکاری می‌کند و متصدی حمل و نقلی که مواد غذایی موجود در انبار سازمان بهزیستی را عالماً برای همکاری با مختلس به یک انبار خصوصی انتقال داده و جزء محموله یک شرکت خصوصی وانمود می‌سازد.

در این قسمت تفاوت مشخص و بارزی میان حقوق ما از یک سو و حقوق فرانسه از سوی دیگر وجود دارد: مقنن فرانسوی در قسمت دوم ماده ۱-۳۲۴ قانون جزای این کشور، «مساعدت و مشارکت در هر گونه عملیات سرمایه‌گذاری، مشته‌سازی و معاوضه یا تبدیل» اموال و منافع حاصل از جرم را تحت عنوان «تطهیر» قابل مجازات می‌شناسد و «انتقال یا وساطت در انتقال» اشیاء حاصل از جرم را هم در ماده ۱-۳۲۱ تحت عنوان دریافت اشیاء حاصل از جرم قابل پیگرد می‌داند، بدون اینکه به لزوم داشتن سوء نیت خاص تصریح نماید، لذا در حقوق این کشور برخلاف حقوق ما ظاهراً تبدیل یا معاوضه و یا انتقال یا وساطت در انتقال عواید مجرمانه حسب مورد قابل تعقیب خواهد بود ولو اینکه مرتکب (البته با احراز علم به منشأ مجرمانه) سوء نیت خاص برای پنهان کردن منشأ مجرمانه مال یا کمک به مرتکب جرم منشأ برای در امان داشتن وی از عواقب قانونی ارتکاب جرم نیز نداشته باشد، مثل اینکه تنها منظور یا انگیزه او جلب منافع خصوصی برای شخص خود بوده و مطمئن باشد که حتی به رغم انجام چنین عملیاتی، منشأ غیر قانونی اموال یا منافع مزبور درست به همان اندازه سابق قابل کشف و ردیابی خواهد بود. همچنین مقنن فرانسوی دو نوع عمل مجرمانه دیگر (سرمایه‌گذاری و مشته‌سازی) را نیز در قسمت دوم ماده ۱-۳۲۴ ذکر می‌کند که برای جامعیت تعریف خالی از فایده نیست. از همه مهم‌تر اینکه در حقوق کشور اخیر، صرف «مساعدت یا مشارکت» در عملیات مجرمانه در حکم مباشرت در تطهیر شناخته شده مثل اینکه کسی موافقت کند که قاچاقچیان مواد مخدر، قسمتی از منافع مجرمانه را در حساب بانکی مربوط به رستوران او واریز و با عواید حاصل از فعالیت رستوران، ممزوج و مشته سازند بدون اینکه خود صاحب رستوران در واریز وجوه غیر قانونی مباشرت داشته باشد یا مشاور امور مالی که به قاچاقچیان انسان برای تأسیس یک مؤسسه اعتباری به منظور سرمایه‌گذاری و مشته‌سازی منافع مجرمانه، مساعدت می‌نماید.

در بند (ج) ماده ۲ ق. م. پ. که تقریباً به‌طور کامل با شق دوم جزء (الف) بند (۱) ماده ۶ کنوانسیون پالرمو و شق دوم جزء (الف) بند (۱) ماده ۲۳ کنوانسیون مریدا هماهنگ است، هر گونه فعل یا ترک فعلی که عنوان اخفاء یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابجایی یا مالکیت عواید مجرمانه بر آن صدق کند، جرم پول‌شویی به شمار آمده است. بنابراین رئیس شعبه بانکی که با قبول اسناد جعلی و مدارک تقلبی، عالماً اجازه می‌دهد در شعبه تحت ریاست او به نام یک شخص حقیقی با هویت دروغین یا یک شرکت موهوم افتتاح حساب شود و ماهیت و منشأ عواید حاصل از جرم را که به آن حساب واریز می‌گردد کتمان می‌کند یا از انتقال وجوه به میزان مشکوک به حساب یک کارگر غیر ماهر و سپس برداشت فوری آن از طریق چک بین بانکی که بارها در شعبه تحت ریاست او صورت می‌گیرد مطلع شده و به قرائنی مطمئن می‌شود این وجوه از طریق قانونی تحصیل نشده، با این همه به کارمندان خود دستور می‌دهد که این موضوع را سرّی تلقی کرده و به کسی اعلام ننمایند، قابل پیگرد خواهد بود. اگرچه هنوز رویه قضایی در این باره شکل نگرفته به عقیده نگارنده، کاربرد هر سه کلمه اخفاء، پنهان کردن و کتمان کردن مبین آن است که در این بند، نیازی به عمل مثبت (فعل مجرمانه) نیست به‌ویژه آنکه در استعمال رایج، واژه کتمان اغلب به عدم افشاء اطلاعات (ترک فعل) دلالت می‌نماید. در واقع مقنن فرانسوی (چنانکه دیدیم) از این حد نیز فراتر رفته و هر عملی را که به هر وسیله و کیفیتی، مشروع جلوه دادن عواید مجرمانه را تسهیل کند تحت عنوان تطهیر می‌شناسد؛ با این وجود، رویکرد مقنن ایران به‌خصوص با در نظر گرفتن شرایط موجود کشور ما، صراحت بیشتری را در بر دارد و برای جلوگیری از سوء تفسیرهای احتمالی، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

کیفر قانونی پول‌شویی در حقوق ایران به موجب ماده ۹ ق. م. پ. منحصر به جزای نقدی است: مرتکبین جرم پول‌شویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب

جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند. چنانکه ملاحظه می‌گردد مقنن ایران برخلاف حقوق فرانسه هیچ‌گونه کیفر سالب آزادی برای بزه پول‌شویی در نظر نگرفته که این امر بدون شک با ماهیت خطرناک و زیانبار این جرم از یک سو و انگیزه‌های قوی مرتکبین از سوی دیگر تناسب ندارد و لذا نمی‌تواند بازدارندگی لازم را داشته باشد. این در حالی است که دولت ایران به موجب بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون پالرمو (به عنوان یک دولت امضاءکننده) و به‌ویژه بر اساس بند ۱ ماده ۳۰ کنوانسیون مریدا، ملزم و مکلف است جرائم مندرج در این کنوانسیون‌ها از جمله تطهیر عواید مجرمانه را مشمول کیفرهایی قرار دهد که اهمیت و سنگینی این جرائم را منعکس سازد؛ همچنین عدم پیش‌بینی کیفر یا ضمانت اجرای مصادره اموال نیز برخلاف معیارهای بین‌المللی و مقررات کنوانسیون‌های مزبور می‌باشد (سلیمی، صادق، ۱۳۸۱: ۱۵۹-۱۵۰).

۲. موضوع جرم. در حقوق فرانسه، عواید مجرمانه ناشی از هر جنحه و جنایتی خواه جنبه اقتصادی و یا سازمان‌یافته داشته و خواه نداشته باشد، می‌تواند موضوع جرائم تطهیر و یا دریافت اشیاء حاصل از جرم باشد، با این تفاوت که در خصوص بزه دریافت اشیاء حاصل از جرم موضوع ماده ۱-۳۲۱ قانون جزا، شیئی که موضوع جرم قرار می‌گیرد باید به شکل مستقیم از فعالیت مجرمانه به دست آید در حالی که موضوع جرم تطهیر عواید مجرمانه مندرج در ماده ۱-۳۲۴ همان قانون، عواید غیر مستقیم ناشی از جنحه یا جنایت را نیز در بر می‌گیرد؛ برای نمونه، سود سهامی که اصل آن به عنوان رشوه پرداخت گردیده است می‌تواند موضوع جرم تطهیر باشد.

در حقوق ایران ظاهراً با استفاده از کلمه «جرم» که به شکل مطلق استعمال شده، عواید مجرمانه تمامی انواع جرائم در حیطه شمول مقررات ضد پول‌شویی قرار می‌گیرد. همچنین چون تفکیکی میان جرائم تطهیر و دریافت عواید مجرمانه وجود ندارد، کلیه مصادیق

مندرج در ماده ۲ ق. م. پ. نسبت به عواید غیر مستقیم فعالیت‌های مجرمانه نیز تسری می‌یابد. به موجب ماده ۳ ق. م. پ. منظور از عواید مجرمانه هر نوع مالی است که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده باشد. با این حال مقصود مقنن از عبارت «هر نوع مال» چندان هم خالی از ابهام نیست و اگرچه علی‌الظاهر اموال منقول یا غیر منقول، مشاع یا مفروز و بالاخره مادی یا غیر مادی در حیطه تعریف قرار می‌گیرد، قطعاً صراحت بیشتر متن قانون می‌توانست کار تفسیر مقررات را آسان‌تر سازد. در بندهای (د) و (ه) مواد ۲ هر دو کنوانسیون پالرمو و مریدا، اصطلاحات «مال» و «عواید مجرمانه» به شکل کاملاً مشابهی تعریف شده است؛ طبق بند (د): «مال عبارت است از هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیر مادی، منقول یا غیر منقول، عینی یا غیر عینی و نیز مدارک قانونی و اسنادی که نماینده وجود حق یا منفعتی نسبت به دارایی‌های فوق باشد.» بر اساس همین تعریف است که بند (ه) مواد مذکور، اعلام می‌دارد که از نظر اسناد بین‌المللی مورد بحث نیز: «عواید مجرمانه» به معنی «هر مالی که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از ارتکاب جرم حاصل آمده یا تحصیل شده» می‌باشد. این تعریف از عواید مجرمانه در پرتو تعریف «مال» در بند-های (د) مواد مزبور، در حقوق ایران و فرانسه نیز قابل پذیرش است.

۳. علم مجرمانه و اثبات عنصر معنوی. هم در چارچوب اسناد بین‌المللی و هم در حقوق داخلی هر دو کشور ایران و فرانسه، در تحقق بزه‌های یادشده، علم اجمالی به منشأ نامشروع و مجرمانه مال یا وجوه نقد کفایت می‌کند و لازم نیست مرتکب از نوع جرم منشأ (جرم مقدمه) نیز دقیقاً آگاه باشد. اما در حقوق فرانسه در صورتی که مرتکب بداند که عواید مجرمانه، از جرائمی که مجازات حبس شدیدتری دارند یا جرائمی که به واسطه کیفیات مشدده، مستلزم کیفر شدیدتری هستند حاصل شده، به موجب مواد ۴-۳۲۱ و ۴-۳۲۴ قانون جزا بر پایه و در حدود همین علم تفصیلی، کیفر حبسی که شدیدتر است نسبت به مرتکب تطهیر یا دریافت عواید مجرمانه نیز قابل اعمال خواهد بود. برای مثال، چون

کلاهبرداری سازمان‌یافته طبق قسمت اخیر ماده ۲-۳۱۳ و قاچاق سازمان‌یافته انسان طبق ماده ۳-۴-۲۲۵ قانون جزای فرانسه به ترتیب مستلزم ده سال زندان جنحه‌ای و بیست سال حبس جنایی هستند، تطهیر یا دریافت عواید مجرمانه آنها نیز با علم به نوع جرم و کیفیت مشدده آن، همان کیفر سالب آزادی مقرر برای کلاهبرداری یا قاچاق سازمان‌یافته انسان را حسب مورد در پی خواهد داشت.

در حقوق ایران بعضی از مصادیق تطهیر عواید جرائمی مثل سرقت و اختلاس دارای عنوان خاصی می‌باشد که در این گونه موارد، حسب مورد باید علم یا قرائن اطمینان‌آوری نسبت به نوع جرم وجود داشته باشد؛ به عنوان نمونه در تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ (روزنامه رسمی شماره ۱۷۱۶۸-۱۳۸۲/۱۱/۱۲) مقرر شده است: «هر کس با علم به اینکه اموال مورد اختلاس فوق‌الذکر به نیروهای مسلح تعلق دارد، آن را خریداری یا در تضييع آن مساعدت نماید، علاوه بر استرداد اموال یا حسب مورد مثل یا قیمت آنها به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.» در این تبصره علم مرتکب نسبت به اینکه، اولاً: مال از طریق اختلاس به دست آمده و ثانیاً: مال اختلاس شده به نیروهای مسلح تعلق دارد، باید به اثبات برسد، در مقابل در جرم قبول، اخفاء یا معامله اموال مسروقه موضوع ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی، وجود قرائن اطمینان‌آور بر وقوع سرقت کفایت می‌کند و با وجود چنین قرائنی، ادعای جهل موضوعی از مرتکب پذیرفته نخواهد شد.

سرانجام شایان ذکر است که برای تسهیل اثبات عناصر و ارکان معنوی جرم، به موجب ماده ۲۸ کنوانسیون مریدا مقرر گشته که علم یا قصد یا سوء نیت مجرمانه به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده هر کدام از جرائم مندرج در کنوانسیون مزبور از جمله بزه تطهیر، ممکن است با تکیه بر اوضاع و احوال عینی و خارجی ارتکاب جرم استنباط گردد. از این رو اگر مرتکب مدعی جهل موضوعی شود ولی مرجع قضایی مربوطه به این نتیجه برسد که با

توجه به قرائن قطعی و شواهد روشنی که در حین ارتکاب جرم وجود داشته، متهم نمی‌توانسته از منشأ مجرمانه مال یا عواید مورد نظری اطلاع بماند، ادعای جهل موضوعی را از او نخواهد پذیرفت. در جزء (و) بند (۲) ماده ۶ کنوانسیون پالرمو نیز اختصاصاً نسبت به جرم تطهیر عواید مجرمانه، بر همین قاعده صحنه نهاده شده است.

۴. فقدان صلاحیت رسیدگی به جرم منشأ. در تحقق جرائم دریافت یا تطهیر، طبق حقوق فرانسه هیچ ضرورتی ندارد که رسیدگی به جرم منشأ هم در صلاحیت مراجع قضایی این کشور باشد، لذا برای نمونه اگر در رشاء و ارتشاء مقامات خارجی یا مقامات سازمان‌های بین‌المللی عمومی، به لحاظ اعمال قواعد صلاحیت یا مصونیت شکلی، جرم منشأ در فرانسه قابل تعقیب نباشد، تأثیری در حق مرتکبان دریافت و تطهیر ندارد. مطمئناً در حقوق ایران نیز همین موضع را باید اتخاذ نمود. تعهدات مندرج در جزء (ج) بند (۲) ماده ۶ کنوانسیون پالرمو و جزء (ج) بند (۲) ماده ۲۳ کنوانسیون مریدا نیز متضمن قاعده مشابهی می‌باشد؛ با این همه اگر عمل مورد نظر که منشأ عواید و منافعی شده، تنها به موجب قانون کشور محل ارتکاب، جرم شناخته شده و در حقوق دولت عضوی که تعقیب بزه تطهیر را بررسی می‌نماید عنوان جزایی نداشته باشد، عواید و منافع حاصله از منظر حقوق دولت اخیر عنوان عواید مجرمانه نخواهد داشت و مآلاً جرم «تطهیر عواید مجرمانه» هم از نظر حقوق این کشور موضوعاً منتفی خواهد بود. در نتیجه چون رشاء و ارتشاء نسبت به مقامات خارجی یا مقامات سازمان‌های بین‌المللی عمومی در حقوق ما برعکس فرانسه جرم محسوب نمی‌گردد، تطهیر عواید آن نیز در کشور ما فعلاً قابل تعقیب نیست.

۵. کیفیات مشدده. در حقوق ایران هیچ کیفیت مشدده‌ای برای بزه پول‌شویی در نظر گرفته نشده و به ارتباط این بزه با مجرمیت سازمان‌یافته، توجهی مبذول نگشته است. در مقابل با در نظر گرفتن این نکته که جرائم دریافت و تطهیر، نقش اساسی در فعالیت گروه‌های بزه‌کار دارد، مواد ۲-۳۲۱ و ۲-۳۲۴ قانون جزای فرانسه (با عبارات کاملاً مشابه) نوع

مشدد این جرائم را به شرح زیر پیش‌بینی کرده‌اند. به موجب مواد مذکور، کیفر دریافت یا تطهیر در موارد زیر حبس تا ده سال و جزای نقدی تا ۷۵۰/۰۰۰ یورو خواهد بود: «۱. هرگاه به صورت بعاتد و یا با استفاده از امکانات حاصله از انجام یک فعالیت حرفه‌ای ارتکاب یابد، ۲. هرگاه در قالب یک گروه بزه‌کار سازمان‌یافته تحقق پذیرد.» در حقیقت دامنه این نوع مشدده از تطهیر چنان وسیع است که عملاً بیشتر مصادیق خارجی آن را در بر می‌گیرد، زیرا نادر است موردی که مرتکب جرم تطهیر از امکانات حاصله از یک فعالیت حرفه‌ای مشروع مثل بانکداری، بازرگانی و نظایر آن سوء استفاده نکرده، با یک گروه مجرمانه سازمان‌یافته ارتباط نداشته و عمل مجرمانه را به صورت غیر بعاتد (فقط یک بار) مرتکب شده باشد.

۶. کیفر شروع به جرم. در حالی که در حقوق ایران مجازاتی برای شروع به تطهیر عواید مجرمانه در نظر گرفته نشده و از این جهت تعهدات مندرج در شق دوم جزء (ب) بند (۱) ماده ۲۳ کنوانسیون مریدا (منطبق با قسمت مشابه در ماده ۶ کنوانسیون پالرمو) رعایت نگردیده، برعکس شروع به ارتکاب جرم تطهیر، به موجب ماده ۶-۳۲۴ قانون جزای فرانسه همان کیفر جرم تام را در پی دارد، هرچند قانون‌گذار این کشور نیز شروع به ارتکاب جرم دریافت اشیاء حاصله از جرم را پیش‌بینی نکرده است.

گفتار دوم: مصادره اموال و احکام آن

چون در مقررات و قواعد مربوط به مصادره اموال، آنچنان اختلاف جوهری و تفاوت بنیادینی میان حقوق فرانسه و معیارهای بین‌المللی از یک سو و حقوق ایران از سوی دیگر وجود دارد که امکان بحث و بررسی همزمان جزئیات حقوق هر یک از دو کشور با موانع جدی مواجه می‌شود، به ناچار با عدول از شیوه‌ای که در گفتار پیشین اتخاذ شد، موقعیت این کیفر یا اقدام تأمینی را در حقوق هر یک از آنها به صورت جداگانه مطالعه خواهیم کرد.

الف) وضعیت حقوق فرانسه در انطباق با معیارهای بین‌المللی

در حقوق فرانسه با تبعیت کامل از تعهدات و انتظارات مندرج در اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا، مهم‌ترین نوع کیفر تکمیلی به‌ویژه در جرائم مورد بحث ما، مجازات مصادره اموال و اشیاء است. مستنبط از مقررات مربوطه این است که مقنن فرانسوی، با پیش‌بینی ضوابط بسیار قاطعانه به‌خصوص در جرائم مهم و سودآور، از این تدبیر کیفری برای افزایش هرچه بیشتر بازدارندگی، نهایت استفاده را برده است تا نیاز به تحمیل مجازات‌های پرهزینه سستی مانند حبس کاهش یابد. برای درک صحیح این حقیقت، شرح مقررات ماده ۲۱-۱۳۱ قانون جزای فرانسه ضروری به نظر می‌رسد. این ماده در بیان کیفیت و موارد مجازات مصادره اموال (که بعضاً طبق مقررات دیگر به عنوان مجازات اصلی به اشخاص حقوقی نیز تسری داده شده) نکات ذیل را بیان می‌دارد:

۱. *محدوده یا دایره شمول مجازات مصادره.* طبق نخستین قسمت ماده مذکور، «مجازات تکمیلی مصادره در مواردی که در قوانین موضوعه یا آیین‌نامه‌های دولتی مقرر است تحمیل می‌شود. همچنین در کلیه جنایات یا جنحه‌هایی که مجازات آن یک سال زندان یا بیشتر باشد، به استثنای جنحه‌های مربوط به مطبوعات، تحمیل آن قانوناً به طور مطلق جایز است.» بنابراین در حقوق فرانسه، هرگاه در قانون یا آیین‌نامه‌ای که عنوان جزایی خاصی را پیش‌بینی کرده، مصادره اموال به عنوان کیفر تکمیلی به‌طور اختصاصی تصریح شده باشد، تحمیل آن بر بزه‌کار حتی در جرائم خلافی نیز الزامی خواهد بود. در مقابل اگر چنین تصریح خاصی وجود نداشته و مقررات مربوط به جرم مورد نظر درباره امکان مصادره ساکت باشد، مصادره جنبه اختیاری دارد مشروط بر اینکه جرم تحت رسیدگی، قانوناً مستلزم یک سال حبس یا بیشتر شناخته شود. در عین حال بررسی مقررات قانون جزای فرانسه ما را به این نتیجه می‌رساند که در اکثریت قریب به اتفاق جرائم اقتصادی یا سازمان‌یافته، بر لزوم تحمیل کیفر مصادره به‌طور خاص تأکید و تصریح شده؛

(GRECO: p. 4) این امر مبین آن است که مقنن، به خوبی آگاه بوده و التفات داشته که یکی از اثربخش‌ترین مجازات‌های قابل تحمیل بر کسانی که به انگیزه منافع مالی دست به بزهکاری می‌زنند، همانا محروم ساختن آنها از منافع مالی و قسمتی از دارایی خویش است. برای مثال، در جرائم قاچاق مواد مخدر (شق هفتم ماده ۴۴-۲۲۲) سرقت به‌ویژه سرقت سازمان‌یافته (شق چهارم ماده ۱۴-۳۱۱) و کلاهبرداری به‌ویژه کلاهبرداری سازمان‌یافته (شق چهارم ماده ۷-۳۱۳) مصادره کلیه اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته، به منظور ارتکاب جرم اختصاص یافته و یا از ارتکاب جرم حاصل آمده به استثناء آنچه که مشمول استرداد به نفع بزه‌دیده خواهد بود، پیش‌بینی شده است.

۲. اموال مشمول مصادره. در ادامه ماده ۲۱-۱۳۲ قانون جزای فرانسه مقرر گشته است: «در صورتی که مال در ارتکاب جرم به کار رفته یا به این منظور اختصاص یافته باشد و مشروط بر آنکه محکوم‌علیه مالک آن بوده یا با رعایت حقوق اشخاص ثالث دارای حسن نیت، آزادانه در آن متصرف باشد، مصادره، کلیه اموال منقول و غیر منقول را از هر نوع که باشد، مشاع یا مفروز شامل می‌گردد.

«همچنین مجازات مزبور اشیایی را که موضوع جرم بوده یا به طور مستقیم یا غیر مستقیم از ارتکاب آن حاصل شده در بر می‌گیرد، به استثنای اموالی که ممکن است به بزه‌دیده مسترد گردد.

«اگر اموال حاصل از جرم با درآمد حاصله از طرق قانونی ممزوج شده و برای کسب یک یا چند مال دیگر مصرف شده باشد، مصادره فقط شامل سهمی از آن اموال می‌شود که معادل عواید مجرمانه تخمین زده می‌شود.»

بر این اساس اموالی که در شرایط عادی در معرض مصادره هستند، به چهار دسته تقسیم می‌شوند: نخست: عواید مستقیم ارتکاب جرم. دوم: درآمد و منافع حاصله از اموالی که در نتیجه ارتکاب به دست آمده یعنی عواید غیر مستقیم. سوم: اموالی که در ارتکاب

جرم استعمال شده و سرانجام، اموالی که برای ارتکاب جرم اختصاص یافته است. در حقیقت مقررات اخیرالذکر تقریباً به‌طور کامل با مفاد بندهای ۱، ۳، ۴ و ۵ ماده ۱۲ کنوانسیون پالرمو و بندهای ۱، ۴، ۵ و ۶ ماده ۳۱ کنوانسیون مریدا منطبق می‌باشد، با این قید که استفاده از کیفر مصادره حتی فراتر از تعهدات بین‌المللی فرانسه در دستور کار مقنن این کشور بوده است. به همین جهت، در ادامه ماده ۲۱-۱۳۲ چنین می‌خوانیم:

«گذشته از این موارد، مصادره می‌تواند شامل هر مال منقول یا غیر منقول دیگری نیز باشد که به‌طور خاص در قانون مصوب پارلمان یا آیین‌نامه دولتی که جرم را سرکوب می‌نماید، تعریف شده باشد.»

با استفاده از مفاد این قسمت از ماده ۲۱-۱۳۲ بوده که مقررات خاصی برای ضبط و مصادره سلاح و وسائل نقلیه متعلق به محکوم‌علیه در بسیاری از جرائم، در قانون جزای فرانسه پیش‌بینی می‌شود.

۳. فرض نامشروع بودن اموال و مصادره فوق‌العاده. مقصود از فرض نامشروع بودن اموال که در بند ۷ ماده ۱۲ کنوانسیون پالرمو و بند ۸ ماده ۳۱ کنوانسیون مریدا نیز به صورت یک تدبیر اختیاری به دولت‌های عضو پیشنهاد شده، این است که پس از صدور حکم محکومیت، چنانچه محکوم‌علیه در جرائم مهم سودآور به‌ویژه جرائم سازمان‌یافته، مدعی مشروع بودن طریقه تحصیل مال معینی باشد، اثبات ادعا بر عهده خود او قرار گیرد تا امکان حفظ اموال نامشروع توسط او به حداقل ممکن کاهش یابد. البته برای رعایت موازین دادرسی عادلانه، ضروری است فرصت و امکان کافی برای اقامه دلیل به این گونه محکومان داده شود. بدیهی است با اتخاذ چنین شیوه‌ای، به‌ویژه با در نظر گرفتن انواع ترفندهایی که برای مشروع جلوه دادن اموال توسط محکومان به کار می‌رود از یک سو و دشواری کار جمع‌آوری اطلاعات مالی دقیق توسط دادستانی از سوی دیگر، اثربخشی و بازدارندگی سیاست کیفری شدیداً افزایش می‌یابد. در حقوق جزای فرانسه، این فرض

نامشروع بودن اموال، اختصاص به جرائمی دارد که مستلزم پنج سال زندان یا بیشتر باشند، از قبیل قاچاق مواد مخدر، کلاهبرداری، ارتشاء و اختلاس.

اما مقصود ما از مصادره فوق‌العاده آن است که تمام یا قسمتی از اموال محکوم‌علیه، حتی بدون اینکه ارتباطی با وقوع جرم داشته باشد، به عنوان کیفر و به حکم دادگاه به نفع دولت تملک شود.

در ادامه ماده ۲۱-۱۳۲ قانون جزای فرانسه، درباره فرض نامشروع بودن اموال محکومین و مصادره فوق‌العاده مقرر شده است:

«در خصوص جنایات و جنحه‌هایی که حداکثر کیفر آنها پنج سال زندان یا بیشتر است و منافعی را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم عاید مرتکب ساخته، علاوه بر موارد فوق، مصادره شامل تمامی اموال منقول و غیر منقولی می‌شود که محکوم‌علیه پس از اطلاع از امکان مصادره و داشتن فرصت کافی برای تبیین منشأ قانونی آنها، از توضیح منبع کسب آنها ناتوان باشد، اعم از اینکه اموال مزبور مشاع باشد یا مفروز و هر ماهیتی که داشته باشد. «در صورتی که در قانونی که جنایت یا جنحه را سرکوب کرده پیش‌بینی شده باشد، تمام یا قسمتی از اموال متعلق به محکوم‌علیه اعم از منقول و غیرمنقول، مشاع یا مفروز، با هر ماهیت که باشد، مشمول مصادره خواهد شد.»

چند نمونه از مقررات مصادره فوق‌العاده در قانون جزای فرانسه به شرح زیر است: مفاد ماده ۲۵-۲۲۵ قانون جزا در خصوص مصادره اموال اشخاص حقیقی یا حقوقی در جرائم قاچاق انسان، استعمار جنسی و جرائم ناشی از آن؛ مفاد شقّ دوازدهم ماده ۷-۳۲۴ در خصوص مصادره اموال اشخاص حقیقی در بزه تطهیر عواید مجرمانه و بالاخره، مفاد ماده ۵-۴۵۰ در خصوص مصادره اموال اشخاص حقیقی و یا حقوقی در بزه مشارکت در اجتماع تبهکارانه. مصادره فوق‌العاده همیشه جنبه اختیاری دارد و حسب تشخیص دادگاه،

اعمال می‌گردد. چنانکه گفته شد، در این قبیل موارد تمام یا قسمتی از اموال محکوم بدون نیاز به اثبات رابطه آن با ارتکاب جرم به نفع دولت مصادره می‌شود.

۴. سایر احکام مصادره. در قسمت‌های پایانی ماده ۲۱-۱۳۲ قانون جزای فرانسه، احکام عمومی مصادره به شرح ذیل تکمیل شده است:

«در مورد اموالی که طبق قانون یا آیین‌نامه خطرناک یا زیان‌بار شناخته شده یا نگاهداری آن غیرقانونی است مصادره الزامی خواهد بود، اعم از اینکه اموال مزبور متعلق به محکوم‌علیه باشد یا خیر.»

«هرگاه شیء مصادره‌شده توقیف نشده یا دسترسی به آن ممکن نگردد، مصادره نسبت به معادل ارزش آن از محل سایر اموال به اجرا درمی‌آید و مقررات اجرای احکام و دستور-های قضایی در این مورد لازم‌الرعایه خواهد بود.

«جز در مواردی که طبق مقررات خاص شیء مصادره‌شده باید نابود شده یا به مصرف دیگری برسد، شیء مزبور منتقل به دولت می‌شود لیکن حقوق قانونی اشخاص ثالث نسبت به عین یا بهای آن به قوت خود باقی می‌ماند.

«اگر شیء مصادره شده وسیله نقلیه‌ای باشد که در خلال رسیدگی قبلاً توقیف نشده است، محکوم‌علیه باید با دستور دادستان عمومی آن را به اداره یا سازمانی که مسئول نابود کردن یا اوراق کردن است تسلیم نماید.»

ب) ضبط و مصادره اموال در حقوق ایران

اصولاً عنوان مصادره اموال در قوانین جزایی ایران کمتر به کار رفته و معمولاً به جای آن از واژه «ضبط» اموال یا «ضبط به نفع دولت» استفاده می‌شود. همین طور از لحاظ قواعد حقوق جزای ایران، عنوان «کیفر تکمیلی» یا «کیفر تبعی» برای مصادره، استرداد و ضبط اموال حاصل از جرم مناسب نیست؛ در مورد استرداد اموال به مجنی‌علیه به هیچ وجه نمی-

توان از عنوان مجازات یا کیفر بحث کرد و در مورد ضبط اموال نیز احتمالاً کاربرد عنوان «اقدام تأمینی» صحیح‌تر باشد.

نخستین نکته‌ای که در مورد مصادره، ضبط و استرداد اموال حاصل از جرم در حقوق جزای ایران اهمیت دارد این است که مطابق مواد ۹ و ۱۰ ق.م.ا. و ماده ۱۱۱ آ.د.ک. قاعده کلی در مورد اموال حاصل از جرم، استرداد به مالک قانونی است هرچند مال در تصرف شخص ثالث دارای حسن نیت قرار داشته باشد. در این مورد اگر عین مال تلف شده یا موجود نباشد، باید مثل یا قیمت آن مسترد گردد. حسن نیت یا سوء نیت مالک در مورد استرداد هیچ تفاوتی ندارد، لذا اگر کسی در جرم پول‌شویی، با مبادله عواید مجرمانه مالی تحصیل نموده باشد، مال مزبور (ثمن معامله) را باید به طرف معامله یا مبادله مسترد دارد اگرچه او نیز از ماهیت مجرمانه شیء مورد معامله آگاه بوده باشد.

بر این اساس به‌طور کلی در حقوق جزای ایران، توجه زیادی به ضمانت اجرای ضبط و مصادره اموال نشده و قاعده کلی، استرداد مال به بزه‌دیده یا مالک ولو شخص مجرم می‌باشد. به دیگر سخن، ضبط و مصادره اموال مجرم یا اموالی که تحت تصرف او یافت می‌شود، منوط به حکم صریح قانونی است که البته در موارد نسبتاً نادری وجود دارد. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ضبط اموال در جرم تهیه و ترویج سکه قلب. بر اساس ماده ۵۲۲ ق.م.ا. «علاوه بر مجازات‌های مقرر در مواد ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ کلیه اموال تحصیلی» از طریق تهیه و ترویج سکه قلب «به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود». در این ماده تنها به ضبط اموال تحصیلی از طریق ارتکاب جرم اشاره شده، لذا اموال و وسایلی که برای ارتکاب جرم استعمال شده یا به این منظور اختصاص یافته و نیز درآمد و منافع حاصله از عواید مستقیم جرم (عواید غیر مستقیم بزهکاری) از ضبط و مصادره مصون می‌ماند.

۲. ضبط و مصادره اموال در جرائم مواد مخدر. مطابق ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی سال ۱۳۷۶ «کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی درخصوص اموال دولتی نمی‌باشد.» ظاهراً مصادره اموال متهمان فراری که در این ماده تحت عنوان «ضبط به نفع دولت» مورد اشاره قرار گرفته و موقوف به وجود دلایل کافی دانسته شده، در صورتی مجوز قانونی دارد که ضمن صدور حکم غیابی محکومیت، به آن تصریح گردد و گرنه اشکالات بزرگی در مقام اجرای قانون به وجود خواهد آمد. در مورد وسایل و اموالی که برای ارتکاب جرائم مواد مخدر به کار رفته یا اختصاص یافته نیز احکامی در قانون مذکور وجود دارد، از جمله به موجب تبصره ماده ۲۸ و ماده ۳۰ قانون مزبور، ضبط وسایل نقلیه‌ای که برای حمل مواد مخدر به کار رفته و نیز وسایل نقلیه‌ای که در درگیری مسلحانه با قاچاق‌چیان مواد مخدر به دست مأمورین می‌رسد، پیش‌بینی شده است. به‌علاوه در ماده ۱۳ همین قانون مقرر شده: «هرگاه کسی واحد صنعتی، تجاری، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن، تولید و یا توزیع مواد مخدر معد سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا به این منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هرگاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود، موافقت اصولی و پروانه بهره‌برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوطه لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می‌گردد.» در قانون مورد بحث، حتی مصادره فوق‌العاده تمام اموال محکومین به جرائم مواد مخدر آن هم به صورت اجباری و فقط به استثناء هزینه‌های متعارف زندگی خانواده محکوم، مورد حکم مقنن واقع شده که البته اختصاص به مواردی دارد که اعدام یا حبس دائم یا طولی‌المدت نیز به عنوان مجازات اصلی مقرر می‌باشد، مانند بند (۴) ماده ۴ و بند (۶) ماده ۸. طبق ماده ۳۶ «در کلیه مواردی که در این قانون مرتکبین، علاوه بر مجازات‌های مقرر به

مصادره کلیه اموال به استثناء هزینه تأمین متعارف برای خانواده محکوم می‌شوند، دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده را به انضمام ریز اموالی که حسب نظر کارشناس یا خبره جزء مستثنیات محسوب شده دقیقاً در حکم یا حکم اصلاحی قید نماید. تخلف از مقررات مزبور، موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه چهار به بالا می‌باشد.»

در حقیقت، استفاده گسترده از مجازات مصادره اموال در جرائم مواد مخدر، در نظام حقوقی ایران جنبه کاملاً استثنائی دارد و در هیچ جرم دیگری نظیر این مقررات را نمی‌توان سراغ گرفت. در عین حال، اشکالات مربوط به نحوه شناسایی، ردیابی و توقیف اموال که به کلی از نظر مقنن مغفول مانده، عدم تعیین تکلیف راجع به نحوه اداره اموال مزبور در قانون و اینکه تطهیر و اخفاء عواید حاصله از مواد مخدر، فقط مشمول مقررات عمومی و ناقص ق.م.پ. می‌باشد، در زمره عواملی است که در مجموع موجب شده که اثر بازدارندگی این گونه کیفرها محدود بماند.

۳. ضبط مال اخذ شده در جرائم رشاء و ارتشاء. ماده ۱۴۶ قانون مجازات عمومی مقرر می‌داشت: «در هیچ موقع اشیاء یا وجوهی که راشی به عنوان رشوه داده است، به او مسترد نخواهد شد. وجوه و اموال مزبور به نفع خزانه دولت ضبط می‌شود.» با این همه در حقوق جزای فعلی ایران ضبط مال اخذ شده در جرم ارتشاء به عنوان مجازات مرتشی اصولاً منتفی است، در عوض طبق مواد ۵۸۸ و ۵۹۲ ق.م.ا. و نیز تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، ضبط مال مزبور، به عنوان تعزیر و مجازات راشی است. این وضعیت موجب می‌شود که در صورت عدم صدور حکم بر محکومیت راشی، مثلاً در فرضی که راشی قبل از صدور حکم فوت کند، تکلیف ضبط اموال مزبور معلوم نباشد. همین طور اگر راشی شناخته نشود یا در مورد هویت رشوه‌دهنده تردیدی وجود داشته باشد، ممکن است مشکلات بزرگی بروز کند. اشکال مورد بحث از آنجا پیدا شده

که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از نظر شرعی این عقیده بیان گردید که مال موضوع ارتشاء در ملکیت راشی باقی می‌ماند و قاعدتاً باید به او مسترد شود مگر اینکه مقصود از ضبط رشوه، تعزیر خود راشی باشد. در مقابل این عقیده باید گفت اگرچه مال ناشی از رشوه شرعاً به ملکیت مرتشی داخل نمی‌شود، اما راشی از آن مال به رضا و اختیار خود، با آگاهی کامل قطع علاقه کرده و لذا عمل پرداخت یا تسلیم رشوه در حقیقت نوعی اعراض از مال خود محسوب می‌شود. این درست مانند فرضی است که مالک مال خود را دور بباندازد که هرچند دور انداختن بی‌جهت مال اسراف بوده و حرام است، مالکیت هم ظائل می‌شود و برداشتن آن برای دیگران بلامانع بوده و در صورت اتلاف، ضامن نیستند. در هر حال همان طور که گفته شد، مقنن با وجود طرح قانون تشدید مجازات مرتکبین ... در مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضمن اعتقاد به بقای ملکیت راشی نسبت به رشوه پرداختی، ضبط آن را فقط از باب تعزیر یا مجازات راشی می‌داند (یوسفیان شوره‌دلی، ۱۳۸۸: ۲۴۱-۲۴۰).

برخلاف موارد استثنائی فوق و استثنائات پراکنده دیگری که در بعضی قوانین و مقررات وجود دارد، امکان مصادره اموال مجرمین یا اموالی که در تصرف بزهکار یافت شده و مشمول استرداد به بزه‌دیده نیز نباشد، در اغلب موارد منتفی است. در جرائم کلاهبرداری (ماده ۱) و اختلاس (ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ...) رد مال به مالک قانونی به صراحت و به طور خاص مقرر شده است و طبق رویه قضایی، در این موارد دادگاه همیشه در حکم خود به لزوم استرداد اموال حاصله از جرم تصریح می‌نماید. در جرم اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی موضوع قانون مصوب ۱۳۱۵ نیز همین تکلیف برای محاکم مقرر شده است.

در ماده ۹ ق.م.پ. مقرر شده که مرتکبان جرم پول‌شویی مکلف به استرداد اصل عواید مجرمانه و منافع حاصله هستند و اگر عین آنها موجود نباشد باید از عهده مثل یا

قیمت بر آیند. اما معلوم نیست در مواردی که مالک قانونی اموال مشخص نیست به خصوص در جرائم سازمان یافته، تکلیف استرداد اموال چگونه باید اجرا شود؟ در حقیقت ق.م.پ. با عدم پیش‌بینی مصادره اموالی که قابل استرداد نیستند، خلأ بزرگی در سیاست کیفری ایران بر ضد جرائم اقتصادی یا سازمان یافته باقی گذارده که هر نوع اثر مثبت ناشی از تصویب این قانون جدید را تا حد زیادی تحت الشعاع قرار می دهد.

گفتار سوم: شناسایی و توقیف اموال

در این گفتار بر آنیم تا با مطالعه مقررات مربوطه در حقوق ایران و فرانسه، به این پرسش پاسخ دهیم که آیا امکانات موجود برای شناسایی، جستجو و ردیابی، ضبط و توقیف اموال مجرمین به‌ویژه عواید و منافع مجرمانه و در نهایت ایجاد زمینه استرداد یا مصادره آنها، کافی و وافی به مقصود هستند یا خیر؟^۵

در این خصوص مقنن فرانسوی علاوه بر جرم‌انگاری تطهیر عواید مجرمانه و دریافت اشیاء حاصل از جرم و نیز وضع مقررات مربوط به مجازات ناتوانی از توجیه قانونی منشأ دارایی و مصادره اموال، به خوبی توجه داشته که این مقررات به تنهایی چندان فایده‌ای ندارد مگر اینکه وسایل کنترل کافی در اختیار مقامات قانونی باشد تا عواید مستقیم و غیر مستقیم جرم عملاً شناسایی، بازیابی، توقیف، مصادره و یا به بزه‌دیده استرداد گردد.

۵. شایان ذکر است که در این مقاله به دلیل فضای محدودی که در اختیار داریم، مقررات پیشگیری از پول‌شویی در حقوق دو کشور را مورد مقایسه قرار نداده‌ایم که جا دارد با توجه به تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پول‌شویی در ایران، در مقاله جداگانه‌ای به این مهم پرداخته شود (نگاه کنید به: روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۶۹-۱۳۸۸/۹/۱۸).

اصلی‌ترین اختیاراتی که در حقوق جزای فرانسه، برای ردیابی و توقیف اموال مجرمانه به مقامات قضایی تفویض شده و واجد کمال اهمیت می‌باشد، در دو مورد زیر خلاصه می‌شود:

نخست: تحصیل اطلاعات لازم. به موجب ماده ۲۲-۱۳۲ قانون جزا، در حقوق فعلی فرانسه تحقیقات قضایی در عموم جرائم به‌ویژه جرائم مالی، اقتصادی یا سازمان‌یافته، علاوه بر شناسایی مرتکب جرم، هدف تازه‌ای را تعقیب می‌کند که عبارت از کسب اطلاعات در مورد میزان عواید احتمالی حاصل از جرم و تعیین نحوه مصرف و یا انتقال یا نگهداری آنها می‌باشد. ماده قانونی مذکور با لحن خشک و قاطعی اعلام می‌دارد: «دادستان شهرستان، قاضی تحقیق و کلیه محاکمی که پرونده، تحت رسیدگی آنها است، می‌توانند ارسال کلیه اطلاعات مالی و اقتصادی را که مفید می‌دانند بر اصحاب دعوی، کلیه مراجع اداری، مؤسسات مالی و نیز بر هر شخصی که دارایی متهم در اختیار او است، الزام و این اطلاعات را تحصیل کنند بدون اینکه کسی حق مخالفت به استناد رازداری حرفه‌ای داشته باشد.» عدم رعایت ماده قانونی فوق حسب مورد می‌تواند مجازات کیفری، اداری یا انضباطی داشته باشد.

دوم: توقیف اموال. بر اساس مواد ۱-۷۰۶ و ۷۳-۷۰۶ ناظر بر ماده ۱۰۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در کلیه جرائم رشاء و ارتشاء و سوداگری نفوذ اعم از اینکه به مقامات و سایر اشخاص داخلی یا خارجی یا بین‌المللی مربوط باشد، در کلاهبرداری سازمان‌یافته، در تطهیر عواید مجرمانه و نیز در بسیاری از جرائم دیگر که به شکل سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابد، در مرحله تحقیقات مقدماتی ممکن است به درخواست دادستان شهرستان تدابیر حفاظتی مخصوصی اتخاذ شود. تصمیم راجع به اعمال این تدابیر حفاظتی توسط قاضی آزادی و توقیف صادر می‌گردد. مقصود از تدابیر حفاظتی، در واقع نوعی قرار تأمین خواسته است با این تفاوت که: هدف از صدور این قرار قضایی، حفظ اموال

متهم و جلوگیری از تضییع، تفریط و انتقال آنها در جهت تضمین اجرای واقعی کیفرهای مالی یا جزای نقدی در صورت مجرمیت متهم است، البته خسارات بزه‌دیده نیز ممکن است از محل اموالی که به این ترتیب بازداشت می‌شود تأدیه گردد. به عبارت دیگر در صورتی که بنا بر حکم دادگاه، متهم به جبران خسارت بزه‌دیده، جزای نقدی و مصادره اموال محکومیت یابد، حکم صادره اعم از خسارت و مجازات از محل اموال توقیف شده اجرا می‌گردد. تصمیم قاضی آزادی و توقیف طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به اجرا درمی‌آید و توقیف می‌تواند شامل اموال منقول یا غیر منقول، مشاع یا مفروز باشد. هزینه‌های لازم برای توقیف بر عهده خزانه عمومی کشور است و تصمیم صادره بدون نیاز به تشریفات نیابت اجرایی، مستقیماً در سراسر کشور قابل اجرا خواهد بود.

در صورتی که حکم برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب متهم صادر شود و دعوی خصوصی ناشی از جرم هم به جبهتی از جهات ساقط گردد، توقیف به هزینه دولت رفع خواهد شد. در موارد محکومیت، دادگاه تکلیف اموال توقیف شده را معین می‌کند.

کاملاً واضح است که اقدامات فوق (تحصیل اطلاعات و توقیف اموال) مکمل یکدیگرند و در مجموع، انگیزه‌های مالی ارتکاب جرم با این احکام سخت‌گیرانه قانونی سرکوب و از سوء استفاده‌های مختلف متهم از اموال و دارایی‌های خود جلوگیری می‌شود. در ضمن با وصول جزای نقدی و مصادره عملی اموال مجرمانه، کیفرهای مالی اثر حقیقی خود را ظاهر می‌سازند و در آمد مناسبی هم عاید دولت می‌شود.

در مقابل اگر گفته شود که قواعد حقوق جزای شکلی ایران تا قبل از تصویب ق.م.پ. تقریباً هیچ قاعده‌ای برای کنترل مؤثر اموال و عواید مجرمانه نداشتند، مطلبی دور از حقیقت بیان نشده است. در ماده ۷۴ قانون آ.د.ک. صدور قرار تأمین خواسته پیش‌بینی شده که قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ صدور چنین تصمیمی را به‌طور ضمنی بر عهده بازپرس یا دادیار تحقیق نهاده است. با این وجود،

درخواست صدور چنین قراری که هدف آن منحصرأً جبران خسارات احتمالی شاکی است، در هیچ موردی توسط دادستان قابل انجام نیست و توقیف اموال متهم برای تضمین اجرای احکام ضبط مال (مثلاً معادل مبلغ رشوه) و اجرای جزای نقدی امکان‌پذیر نمی‌باشد. در واقع اگر در وصول کیفر نقدی اشکالی به وجود آید، معمولاً به یکی از طرق ذیل عمل خواهد شد: نخست، تبدیل جزای نقدی به بازداشت مطابق ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ و دوم، وصول جزای نقدی از محل تأمین سپرده شده برای آزادی متهم (وثیقه یا وجه التزام) که در ماده ۱۴۶ آ.د.ک. پیش‌بینی شده است. طریقه دوم فقط در صورتی قابل تصور است که متهم شخصاً برای آزادی خود تأمینی مانند وجه التزام یا وثیقه بسپارد وگرنه در فرض کفالت یا سپردن وثیقه از سوی شخص ثالث، همچنین در صورت عدم أخذ تأمین یا صدور قرار بازداشت موقت و عدم تبدیل آن به تأمین خفیف‌تر، چنین اقدامی برای وصول جزای نقدی مقدور نخواهد بود.

در ماده ۱۰۵ قانون آ.د.ک. کلیه ادارات و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت، مؤسسات عمومی، شهرداری‌ها، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، دفاتر اسناد رسمی، مأمورین به خدمات عمومی و دستگاه‌های عمومی کشور، موظف شده‌اند اوراق و اسناد و دفاتری را که برای انجام تحقیقات مقدماتی مورد نیاز است به استثنای اسناد سری دولتی نزد مقام قضایی ارسال دارند. بر این اساس این تکلیف شامل حال مؤسسات مالی و بانک‌های دولتی که اسناد و مدارک مالی پراهمیتی در اختیار دارند نیز می‌باشد. مجازات متخلفین انفصال موقت از خدمات دولتی به مدت شش ماه تا یک سال خواهد بود. در عین حال، قانون آ.د.ک. ضرورت انجام همکاری با مقامات قضایی توسط مراجع دولتی و عمومی، یعنی به‌طور کلی مقامات رسمی (نه اشخاص و نهادهای خصوصی مثل بانک‌های خصوصی) را اعلام داشته است، نتیجتاً همکاری بخش خصوصی اقتصاد با دستگاه قضایی داوطلبانه و فاقد هر گونه ضمانت اجرایی خاص می‌باشد. گذشته از این، هدف تحقیقات مقدماتی

شناسایی مجرم است و معمولاً به محض تحصیل دلایل کافی در مورد مجرمیت متهم، بازپرسان قرار مجرمیت صادر می‌کنند و هیچ قانون یا رویه‌ای وجود ندارد که بازپرس یا مقامات دیگر قضایی را مکلف به تحقیقات کافی مالی برای ردیابی و کشف و توقیف اموال مجرمانه سازد. حتی در فرض صدور قرار تأمین خواسته، یافتن اموال متهم و معرفی آنها به منظور بازداشت، بار سنگینی است که تحمل آن به تنهایی بر عهده شاکی است و تحصیل نظام‌مند اطلاعات به نحوی که از مخفی شدن اموال و عدم دسترسی به آنها ممانعت گردد در نظام حقوقی ما مطلقاً وجود ندارد. برای نمونه، شاکی است که باید پلاک ثبتی ملک متهم را پیدا کند، شماره حساب بانکی او را به دست آورد و یا اطلاعات کاملی به مأمورین اجرای احکام بدهد و گرنه قرار تأمین خواسته بلا اجرا می‌ماند.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به تفصیل بیان شد که در جهان معاصر، رویکرد نوینی نسبت به مبارزه با جرائم سازمان‌یافته یا اقتصادی از طریق شناسایی، ضبط و مصادره اموال بزه‌کاران و مبارزه با اخفاء و تطهیر عواید مجرمانه، شکل گرفته و بر اثر اجرای اسنادی چون کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا، در میان بسیاری از نظام‌های حقوق جزای داخلی، فراگیر شده است. این رویکرد نوین که با هدف خنثی کردن جاذبه مالی فعالیت‌های بزه‌کارانه و تشدید بازدارندگی اتخاذ گردیده، در سه حوزه مجزا نمود می‌یابد: جرم‌انگاری تطهیر و اخفاء عواید مجرمانه یا بزه پول‌شویی؛ پیش‌بینی مقررات جدید برای افزایش استفاده از مصادره اموال به عنوان یک کیفر یا ضمانت اجرای مؤثر به جای مجازات‌های سنتی یا در کنار آنها و بالاخره شناسایی و ضبط اموال مجرمین و جلوگیری از عملیات پول‌شویی از طریق الزام بخش‌های وسیعی از جامعه به خصوص فعالان اقتصادی در جهت همکاری فشرده با مسئولین دستگاه عدالت کیفری. ما هر کدام از سه حوزه مزبور (به استثنای مقررات پیشگیری از پول‌شویی) را در یکی از سه گفتار این مقاله، از منظر تعهدات و انتظارات بین‌المللی و قواعد حقوق داخلی دو کشور ایران و فرانسه مطالعه نمودیم و به نتایج جالب توجهی به شرح زیر دست یافتیم:

۱. مقنن ایران صرف نظر از بعضی اشکالات جزئی که در جای خود خاطر نشان گردید، تعریف مناسبی از مصادیق بزه پول‌شویی ارائه داده، لیکن برخلاف تعهدات بین‌المللی ناشی از کنوانسیون مریدا، در حقوق کنونی ایران غیر از جزای نقدی نسبی، هیچ مجازات دیگری برای جرم پول‌شویی در نظر گرفته نشده و به اهمیت و وخامت پیامدهای این بزه سنگین و مخصوصاً ارتباط آن با بزه‌کاری سازمان‌یافته، توجه لازم مبذول نگردیده است، حال آنکه مقنن فرانسوی، علاوه بر جزای نقدی و مصادره اموال، کیفر سلب آزادی به صورت زندان جنحه‌ای و در مواردی حبس جنایی نیز برای بزه تطهیر عواید مجرمانه

پیش‌بینی و ارتباط آن با بزه‌کاری سازمان‌یافته را به عنوان عامل مشدده کیفر، ملحوظ کرده است. علاوه بر این، شروع به ارتکاب پول‌شویی نیز طبق مقررات بین‌المللی می‌بایست جرم‌انگاری گردد که برخلاف حقوق فرانسه، در حقوق کشور ما به این مهم بی‌توجهی شده است. رفع این دو نقیصه مهم کمک خواهد کرد که حقوق جزای ماهوی ایران در مورد بزه پول‌شویی، کمابیش پاسخگوی انتظارات بین‌المللی و نیازهای داخلی کشور باشد.

۲. در حقوق کیفری ایران، کیفر مصادره اموال (صرف نظر از موارد استثنائی) کمتر مورد اقبال مقنن قرار گرفته، به‌طوری که منافع مستقیم و به‌ویژه عواید غیر مستقیم جرم، در اکثر موارد برای بزه‌کار اقتصادی یا گروه‌های مجرمیت سازمان‌یافته بر جای می‌ماند. مصادره اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا برای ارتکاب آن اختصاص یافته، فراسوی مقررات مبارزه با جرائم مواد مخدر، به ندرت در حقوق ما پیش‌بینی شده، امکان جابجایی بار اثبات در صورت شبهه در منشأ کسب اموال وجود ندارد و حتی در موارد مصادره سنتی مانند ضبط رشوه به نفع دولت، ابهاماتی به وجود آمده که می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

در مقابل، بهره‌گیری هوشمندانه قانون‌گذار فرانسه از راه کار مصادره اموال، نه تنها نیاز به کاربرد مجازات‌های پرهزینه سنتی مانند حبس را کاهش داده، بلکه با انطباق حقوق جزای فرانسه با معیارهای بین‌المللی مربوطه، ظرفیت نظام عدالت کیفری را برای مبارزه با جرائم اقتصادی یا سازمان‌یافته ارتقاء بخشیده است. به همین لحاظ، توصیه می‌شود در تمامی جرائم مهم به‌ویژه جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته، ضمن رعایت حقوق مجنی‌علیه و اشخاص ثالث دارای حسن نیت، مصادره اختیاری و یا اجباری اموال زیر به عنوان یک قاعده عمومی در حقوق جزای ایران پذیرفته شود: نخست: اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا برای ارتکاب استعمال شده، دوم: اموالی که برای ارتکاب جرم اختصاص یافته، سوم: اموالی که مستقیماً با ارتکاب جرم تحصیل یا دریافت شده و چهارم: منافع و درآمدی که از طریق اموال حاصله از ارتکاب جرم، به عنوان عواید غیر مستقیم به دست بزه‌کار

رسیده است. در کلیه موارد مصادره، هرگاه اصل مال به دست نیاید، باید معادل آن از سایر اموال بزهکار استیفاء شود؛ مصادره شامل اموال منقول یا غیر منقول، مشاع یا مفروز و با هر ماهیتی خواهد بود؛ ممزوج شدن اموال مشمول مصادره با اموالی که از راه مشروع به دست آمده نیز نباید مانع مصادره شود بلکه در این گونه موارد، لازم است سهمی از اموال ممزوج که معادل بهای مال مشمول مصادره تخمین زده می‌شود، مصادره گردد. با انجام چنین اصلاحاتی است که کشور ما خواهد توانست نظام عدالت کیفری خود را با الزامات مبارزه با اشکال غیر متعارف بزهکاری تطبیق دهد، مخصوصاً اگر بتوانیم (در ضمن رعایت کامل موازین دادرسی عادلانه) در موارد مقتضی از فرض نامشروع بودن اموال بعضی محکومین هم به عنوان یک ابزار تکمیلی سیاست کیفری، استفاده کنیم.

۳. امکانات دستگاه قضایی و نظام عدالت کیفری ما برای گردآوری اطلاعات مالی محدود است و هیچ رویه یا قاعده حقوقی مشخصی وجود ندارد که مراجع قضایی را در جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته، علاوه بر شناسایی مرتکبین جرم، به شناسایی و ردیابی اموال و عواید مجرمانه الزام نماید؛ در عین حال، همکاری بخش خصوصی اقتصاد با دستگاه قضایی در ارائه اسناد و اطلاعات مالی، فقط جنبه داوطلبانه دارد. ضبط و توقیف اموال برای اجرای احکام مصادره یا جزای نقدی که متعاقباً ممکن است صادر شود، به شکل نظام‌مند وجود ندارد.

سخن آخر اینکه هرگاه صادقانه بخواهیم اقتصاد را از جریانات ناسالم مالی پاک کرده و در جهت مبارزه با بی‌عدالتی و نابرابری افراطی در سطح جامعه گام‌های قاطعی برداریم، باید در چارچوب یک راهبرد جامع برای مبارزه با جرائم اقتصادی و یا سازمان‌یافته، نظام کامل و جامعی نیز برای شناسایی، ردیابی، ضبط و مصادره اموال به وجود آورده، به مبارزه همه‌جانبه با پول‌شویی نیز توجه بیشتری داشته باشیم؛ در غیر این صورت، موانع غیر قابل عبوری در مسیر توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی کشور ما به وجود خواهد آمد.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. باقرزاده، احد، با همکاری جعفر نوری اشانلوئی و عبد الله فلاح، جرائم اقتصادی و پول‌شویی در پیشنویس کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد مالی (ترجمه و تألیف) انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۳.
۲. بوریگان، ژاک، بزهکاری سازمان‌یافته در حقوق کیفری فرانسه، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۲-۲۱.
۳. حیدری، علی‌مراد، جرم‌انگاری پول‌شویی، مجله فقه و حقوق، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۳.
۴. سلیمی، صادق، «الف-۱۳۸۲» جنایات سازمان‌یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
۵. سلیمی، صادق، «ب-۱۳۸۲» جنایات سازمان‌یافته فراملی، انتشارات تهران‌صدا، بهار ۱۳۸۲.
۶. سلیمی، صادق، تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و لایحه پول‌شویی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، ۱۳۸۱.
۷. شمس‌ناتری، محمدابراهیم، پول‌شویی: آثار و عکس‌العمل‌ها، اندیشه‌های حقوقی (مجله مجتمع آموزش عالی قم) شماره ۵، زمستان ۱۳۸۲.
۸. حسن‌پور، یاسمین، بررسی جرم پول‌شویی در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۹. شهریاری، محمد، شستشوی اموال کثیف ناشی از جرم (پول‌شویی) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۸۳.

۱۰. عابدی، سعید، ارزیابی کارآمدی مقررات داخلی در مبارزه با فساد مالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۱۱. یزدی نظری‌نژاد، محمد، سیاست جنایی ایران در قبال جرائم اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۱۲. یوسفیان شوره‌دلی، بهنام، حمایت کیفری از حاکمیت قانون در قلمرو اقتصادی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه) رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

ب) لاتین

13. Buscaglia, Edgardo [2008]: "the paradox of expected punishment: legal and economic factors determining success and failure in the fight against organized crime", Rev. of Law & Economics, Vol. III, 2008, pp. 1-25; also available at SSRN: abstract =1121129.
14. Buscaglia, Edgardo & Dijk, Jan Van [2003]: "controlling organized crime and corruption in the public sector", Forum on Crime and Society, UNODC, vol. 3, Nos 1 and 2, December 2003, pp. 3-34.
15. Croall, Hazel, "understanding white collar crime", Open University Press, 2001.
16. Financial Action Task Force for Money Laundering, "the forty recommendations on money laundering", FATF Secretariat, OECD, 22 June 2003 (incorporating the amendments of 22 October 2004).
17. GRECO Secretariat- Council of Europe: "second evaluation round: evaluation report on France", adopted by GRECO at its 21st plenary meeting (Strasbourg, 29

November-2 December 2004), Directorate General- Legal Affairs Department of Crime Problems, GRECO Eval II Rep (2004) 5 E, Strasbourg, 2 December 2004 (public).

18. Legifrance, "Code pénal- partie législative", dernière modification du texte le 06 aout 2008, document généré le 27 novembre 2008.

19. Nicholson, Lisa H., "the culture of under-enforcement: buried treasure, Sarbanes-Oxley and the corporate Pirate", University of Louisville Legal Studies Research Paper Series No. 2007-04, DePaul Business & Commercial Law Journal, Winter 2007.

20. OECD- Organization for Economic Cooperation & Development: "corruption: a glossary of international standards in criminal law", OECD, 2008.

21. Strader, J. Kelly: "understanding white collar crime", Matthew Bender & Company Inc., 2002.

22. UNODC- United Nations Office on Drugs & Crime [2006]: "legislative guide for the implementation of the United Nations Convention Against Corruption", United Nations New York, 2006.

23. UNODC- United Nations Office on Drugs and Crime, the Global Program Against Corruption: "UN anti-corruption toolkit", 3rd edition, Vienna, September 2004.

24. UNODC- United Nations Office on Drugs and Crime: "the United Nations Guide on anti-corruption policy", Vienna, 2003.

25. UNODC- United Nations Office on Drugs & Crime: "compendium of international legal instruments on corruption", 2nd edition, United Nations New York, 2005.

26. United Nations Secretariat [2005] (United Nations Congress on Crime Prevention & Criminal Justice, Bangkok: "economic and financial crimes: challenges to sustainable development", A/CONF.203/7, distr.: 23 February 2005.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

1. United Nations Office on Drugs and Crime < <http://www.unodc.org> >
2. Financial Action Task Force (FATF) < <http://www.fatf-gafi.org> >
3. Le droit criminel – droit pénal – procédure pénale – page d'accueil <<http://ledroitcriminel.free.fr/index.htm>>
4. Legifrance – Le service public de l'accès au droit < <http://www.legifrance.gouv.fr> >
5. Le site officiel du ministère de l'Intérieur de l'Outre-mer et des Collectivités Territoriales < <http://www.interieur.gouv.fr> >
6. TRACFIN < <http://www.tracfin.minefi.gouv.fr> >
7. Ministère de la justice < <http://www.justice.gouv.fr> >
8. Transparency International < <http://www.transparency.org> >
9. Complete list of the Council of Europe Treaties (complete texts, ratification status and explanatory reports) < <http://conventions.coe.int> >

10. Group of States Against Corruption (GRECO) website < http://www.coe.int/t/dghl/monitoring/greco/default_en.asp >